

# برخی از ویژگی های سبک

## زندگی امیر مومنان



1- حلال خواری و خشنودی خدا و پیامبر: از مهمترین ویژگی‌هایی که یک انسان مومن را از غیر مومن متمایز می‌کند همین اموری است که حضرت صادق(ع) در این حدیث فرموده است: به خدا سوگند علی بن ابی طالب(ع) تا

روزی که از این دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچگاه بر سر دو راهی - که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد - قرار نگرفت مگر اینکه پرزحمت‌ترین آنها را برگزید و هر حادثه مهمی که برای پیامبر خدا پیش می‌آمد - به دلیل اعتمادی که به علی داشت - از او کمک می‌گرفت. در میان این امت هیچ کس نتوانست همانند علی(ع) راه پیامبر را - بی کم و کاست - طی کند و با این همه تلاش و کوشش، همواره چون بیمناکان کار می‌کرد، چشمی به بهشت و چشم دیگر بر آتش داشت، از سویی امیدوار پاداش بهشت و از سوی دیگر هراسناک از کیفر آتش بود. (الارشاد، ص 255) ابن عباس نیز درباره طالب رضای حق بودن ایشان می‌گوید: علی(ع) در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت «مرتضی» نامیده شد. (المناقب، ج 3، ص 110)

در مدینه آن حضرت(ع) برای محافظت از جان پیامبر(ص) در مسجد خود را آماده مقابله با توطئه‌ها می‌کرد، زیرا منافقانی درصدد ضربه زدن به آن حضرت(ص) بودند، از همین رو مراقبت و حفاظت از جان پیامبر لازم بود و امام به عنوان محافظ رسول خدا(ص) کنار ستون محرس در مسجدالنبی می‌نشسته و مراقب اوضاع بود. آن ستون هم در مسجدالنبی و کنار قبر حضرت رسول مشخص است و روی آن نوشته است: «اسطوانة الحرس»

2- پشتیبانی حق و سازش‌ناپذیری: از ویژگی‌های آن حضرت(ع)، نداشتن سازش با مخالفان حق و عدل و برخورداری از قاطعیت انقلابی در راه انجام وظیفه بود. خود آن حضرت(ع) می‌فرماید: به جان خودم سوگند، در نبرد با کسی که مخالفت حق کند و راه گمراهی پیش گیرد، نه مدهانه و سازش می‌کنم نه سستی. (نهج‌البلاغه، الخطب: 24) و در جایی دیگر می‌فرماید: در تمامی زندگی من، نقطه سیاهی نیست تا عیب جویان و

اشاره‌کنندگان با چشم و ابرو اشاره کنند و سخنی گویند. خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بستانم و نیرومند نزد من ناتوان است تا حق دیگران را از او بازگیرم. ما با تمام وجود به قضای الهی خشنود و در برابر فرمانش تسلیم هستیم. (نهج‌البلاغه، الخطب: 37) آن حضرت(ع) به آنچه می‌گفت عمل می‌کرد و از همین رو، قاطعیت، در اجرای حق و عدالت و پشتیبانی از مظلوم در برابر ظالم از ویژگی‌های «حکومت علوی» بود. هرچند اجرای دقیق عدالت، به کام دنیا خواهان خوش نمی‌آمد و عده‌ای از او می‌رنجیدند، اما دلخوشی آن حضرت این بود که خدایش از او راضی است. آن حضرت(ع) می‌فرماید سخن گفتن از عدل و حق آسان ولی عمل بدان سخت و دشوار است.

3- رضایت خداوند اصل اساسی در سیاست علوی: امیرمؤمنان(ع) جز برای رضایت خداوند گامی برنداشت و بر آن بود تا با خداوند در حالت «راضیه مرضیه» با نفسی مطمئن ملاقات کند. (فجر، آیات 27 تا 30) این گونه است که در دوره جاهلیت و اسلام هرگز از این اصل در هیچ یک از سیاست‌هایش عدول نکرد. آن حضرت(ع) درباره این راهبرد اساسی در سیاست عمومی خویش می‌فرماید: به خدا سوگند، من همواره در زمره پیشتازان این حرکت بودم تا روزی که جبهه دشمن تار و مار شد و جاهلیت از صحنه بیرون رفت، بی‌آنکه کمترین ضعف یا ترسی داشته باشم و امروز نیز در همان راستا قدم برمی‌دارم و تصمیم دارم باطل را بشکافم تا حق از پهلوی آن بیرون آید. مرا با قریش چه کار؟ که دیروز در موضع کفر بودند و با آنان جنگیدم و امروز نیز که گرفتار فتنه و انحراف شده‌اند به پیکارشان خواهم خاست. من همانگونه که دیروز با آنان برخورد کردم امروز نیز همانم. (نهج‌البلاغه، خ 33) همین سیاست است که دیگران را به دشمنان وی تبدیل کرد و اجازه ندادند تا به عنوان خلیفه خدا و پیامبر(ص) بر منصب ولایت الهی خود در ظاهر قرار گیرد و او را از ولایت‌ظاهری و خلافت دنیوی محروم کردند. در حقیقت تنها گناه امام(ع) از نظر دیگران همان سازش ناپذیری و سیاست راهبردی رضایت خدا است. همین رضایت‌جوئی خداوند و عدم تکیه و اعتماد به غیر خدا موجب می‌شود تا ایشان به جنگاوری بی‌باک تبدیل شود و در زمان تنزیل و تاویل از مشرکان و منافقان نهراسد. حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمود:... و از شگفتی‌های زمانه این است که - شامیان - به من پیام داده‌اند که خود را برای مقابله با سرنیزه‌ها آماده کنم و برای ضربه‌های شمشیر شکیبا باشم، مادران گریان به سگوشان بنشینند! تاکنون کسی مرا با دعوت به جنگ تهدید نکرده است و از زخم‌های نیزه و شمشیر هراسی نداشته‌ام، چرا که بر یقین به پروردگارم تکیه دادم و دینم را زنگار شبهه نیالوده است. (نهج‌البلاغه، خ 22)

4- عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری: از دیگر سیاست‌های راهبردی امام علی(ع) در سبک زندگی ایشان

عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری است. همین عنصر نیز بسیاری را از وی و حکومتش دور می‌کند؛ زیرا اجرای عدالت در حق خود و خویشان بسیار سخت و دشوار است؛ این در حالی است که آموزه‌های اسلامی تاکید دارد که عدالت را حتی در حق دشمنان چنان اجرا کنید که به وی ظلمی روا نشود و به خاطر خویشان و دوستی با افراد از عدالت عدول نکنید. (مائده، آیه 8؛ انعام، آیه 152) سیاست‌های عدالتی امیرمؤمنان(ع) بر بی‌تقوایان سخت می‌آمد؛ زیرا از نظر قرآن عدالت نزدیک‌ترین حالت به تقوای الهی است. (همان) در روایت است آنگاه که حضرت امیر به دلیل رعایت مساوات در تقسیم بیت‌المال مورد عتاب قرار گرفت فرمود: آیا به من امر می‌کنید و اصرار می‌ورزید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسانی که مسئولیت سرپرستی آنها بر دوشم نهاده شده است به دست آورم؟ به خدا سوگند که تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان در پی هم حرکت می‌کنند، چنین کار ناروایی نخواهم کرد. اگر این مال، ثروت شخصی من بود در تقسیم آن مساوات را رعایت می‌کردم، چه رسد به اینکه مال، مال الله است. (نهج‌البلاغه، ج 1، خ 124) آن امام را تندیس عدالت می‌گویند؛ چنان که خود می‌فرماید: به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفت‌گانه زمین را با هر چه در زیر آسمان آنها است به من دهند تا خدا را در حد گرفتن پوست جوی از دهان موری نافرمانی کنم، نخواهم کرد. چرا که این دنیای شما در نزد من از برگ نیم جویده‌ای در دهان ملخی ناچیزتر است. علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های گذرا و ناپایدار چه کار!

(نهج‌البلاغه، ج 1، خ 222)

5- همدلی و همدردی با درماندگان: در شیوه حکومت، سیاست مردمی و جانبداری از مظلومان و محرومان از اصول کلی زمامداری امیرمؤمنان(ع) بود. ایشان با همدلی و همدردی با مردم بر آن بود تا حق و عدالت را اجرا کند؛ زیرا با چنین سیاستی است که می‌توان مردم را در جایگاه کرامت و شرافت خودشان قرار داد. آن حضرت(ع) مردم را دوست داشت، مردم هم او را دوست داشتند. پیامبر گرامی اسلام(ص) به این ویژگی امام علی(ع) به عنوان یک عطای الهی اشاره کرده و فرموده است: یا علی، خدای متعال تو را چنین قرار داده که بینوایان را دوست بداری و آنان را به عنوان پیروان خویش بپسندی و آنان هم تو را پیشوایی و امامت بپسندند.

(حلیه الاولیاء، ج 1، ص 71)

6- همدردی با مردم و یآوری محرومان: گرایش به مردم و روحیه مهرورزی به آنان، از ویژگی‌های رهبران الهی است. بر اساس آموزه‌های قرآنی مومن باید مهارت همدلی و همدردی را بیاموزد و نسبت به دیگران اجرا کند. این که خداوند یکی از ویژگی‌های اهل ایمان و نماز را کمک به محروم و سائل دانسته در همین چارچوب است. (ذاریات، آیات 19 و 20؛ معارج، آیات 24 و 25) کمک و انفاق به دیگران و احسان به مردمان از

اصولی است که در اسلام بسیار مورد تاکید است و رهبران الهی به عنوان الگوهای حسنه باید در این امور پیشگام باشند چنانکه بودند و هستند. مغیره<sup>۱</sup> - الضبی - می گوید: علی(ع) به موالی - شهروندان غیر عرب و بردگان آزاد شده - تمایل بیشتری داشت و نسبت به آنان مهربانتر بود. در صورتی که - خلیفه دیگر به شدت از آنان دوری می‌گزید و پرهیز می‌کرد (الغارات: ص 341) درباره همدردی آن حضرت(ع) با مردم می‌توان به این سخن آن حضرت استناد کرد که فرمود: هیئات که هوی و هوسم بر من چیره شود و شکم‌بارگی به گزینش طعام‌های لذیذ وادارم کند، در حالی که چه بسا در یمامه و یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نداشته و خاطره‌ای از سیری ندارند و هرگز مباد که من با شکم پر بخوابم در حالی که شاید پیرامون من شکم‌های به پشت چسبیده و جگرهای سوخته باشد. (نهج‌البلاغه<sup>۲</sup>، نامه: 45) بی‌خبری مسئولان حکومتی از وضع زندگی مردم جامعه، ناپسند است. در حکومت‌های غیرمردمی، حاکمان به راحتی و رفاه خود می‌اندیشند و همه وسایل آسایش را برای خود و بستگان خویش فراهم می‌کنند و به رنج و محرومیت و گرسنگی و نیاز طبقات محروم توجهی ندارند. حضرت علی(ع) این شیوه را از شأن حکومت دور می‌داند و به یاد گرسنگان جامعه در دور افتاده‌ترین مناطق است.

7- پیشتاز در عمل نیک و خیر: قرآن از سرعت و سبقت‌گیری مومنان در کارهای نیک و خیر سخن به میان آورده و آنان را تشویق می‌کند. (بقره، آیه 148؛ مائده، آیه 48) اسوه‌های ایمان و عمل همواره در هر کار خیر و نیکی پیشگام بوده و هستند. حضرت امیرالمؤمنین(ع) درباره خود می‌فرماید: ای مردم! به خدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرا نمی‌خوانم مگر آنکه خود بر شما - در عمل به آن - پیشی می‌جویم و از هیچ گناهی نهی نمی‌کنم - مگر آنکه پیش از شما، خود را از عمل به آن باز می‌دارم. (نهج‌البلاغه<sup>۳</sup>، خ 173)

امیرمؤمنان (ع) جز برای رضایت خداوند گامی برنداشت

8- ارشاد و موعظه‌گری: خداوند در قرآن بر موعظه دیگران و اینکه انسان دیگری را به کارهای خیر و آخرت یادآور شود و از دل‌بستگی به دنیا باردارد تاکید دارد. انسان‌ها همواره نیازمند پند و موعظه و نصیحت هستند. به این معنا که گاه لازم است به شکل عام مسائل خیر و اخلاقی گوشزد شود یا به شکل خاص درباره رفتار شخصی به خودش تذکر داده شود. امام علی(ع) دلسوزانه به این امر اقدام می‌کرد. زاذان می‌گوید: حضرت امیرالمؤمنین(ع) به تنهایی در بازار می‌گشت و گمشده را راهنمایی و ناتوان را کمک می‌کرد و به هنگام عبور از پیش فروشندگان و کسبه، قرآن کریم را در برابر آنها می‌گشود و این آیه را برای آنها می‌خواند «خانه آخرت - سعادت ابدی - را برای کسانی قرار دادیم که قصد سرکشی و فساد در زمین ندارند و عاقبت - نیک - تنها از آن

پرهیزکاران است». (المناقب ج 2، ص 104) البته گاه لازم است به شکل امر به معروف و نهی از منکر به این فریضه عمل شود؛ زیرا اگر ترک این فریضه شود ممکن است ارزش‌ها با ضد ارزش‌ها جابه‌جا شده و به شکل یک فرهنگ درآید. از این رو، امام علی(ع) نسبت به اوضاع جامعه و رفتار کسبه و مردم بی‌تفاوت نبود، شخصا امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و با «تذکر لسانی» مردم را به یاد خدا و قیامت می‌انداخت، تا به وظیفه خویش عمل کنند.

9- سفره و خوراک: راوی می‌گوید از حضرت صادق(ع) شنیدم که فرمود: حضرت امیرالمومنین در نوع غذا شبیه‌ترین افراد به پیامبر خدا(ص) بود. او خود نان و سرکه و روغن زیتون می‌خورد و به مردم- مهمانان خود- نان و گوشت می‌داد. (الکافی، ج 6، ص 328)

10- کار و تلاش: آن حضرت(ع) با توجه به موقعیت‌های زندگی کاری را انجام می‌داد که نیاز جامعه بدان بود و امکانش برایش فراهم بود. ایشان به حکم قرآنی به آبادانی زمین می‌پرداخت (هود، آیه 61) و کارش را بیهوده نمی‌دانست؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: ایحسب الانسان ان یترک سدی؛ آیا انسان گمان می‌کند که رها شده است؟ (قیامت، آیه 36) در روایت است که امام علی(ع) هنگام شخم زدن زمین این آیه را می‌خواند. حضرت امام صادق(ع) درباره کار و تلاش آن حضرت(ع) فرموده است: گاهی امیرالمومنین به سوی صحرا می‌رفت و همراه خود باری از هسته خرما می‌برد، وقتی سوال می‌شد این چیست که به همراه داری؟ می‌فرمود: هر دانه از اینها یک نخل است ان شاء... آنگاه می‌رفت و همه آنها را می‌کاشت و دانه‌ای از آنها را نمی‌خورد. (الکافی، ج 5، ص 75) آن حضرت(ع) زندگی‌اش را از راه کار و تلاش تامین می‌کرد و خود را وابسته به بیت‌المال نمی‌کرد، بلکه چنان بود که دیگران نیز از کار و تلاش وی بهره‌مند می‌شدند. خود آن حضرت می‌فرمود: ای مردم کوفه اگر- مرا دیدید- با اندوخته‌ای بیشتر از وسایل شخصی زندگی و مرکب و غلام خود از نزد شما برگشتم، بدانید که خائن بوده‌ام- آن حضرت در مدت حکومت، از بیت‌المال مصرف نمی‌کرد- و هزینه زندگی او از زمین‌های کشاورزی که در ینبع داشت تامین می‌شد. (الغارات، ص 44)

11- ساده‌زیستی: آن حضرت(ع) با آن که درآمد خوبی از کار و تلاش خویش در زمین‌ها و نخلستان‌ها داشت، ولی همه آنها را در راه خدا انفاق می‌کرد و خود بهره‌ای نمی‌برد. در دوران عزلت از سیاست و در اوج قدرت یکسان زیست و تفاوتی در زندگی‌اش پدید نیامد و به سوی تجملات نرفت، با آن که وضع مسلمانان در آن دوره خوب بود و اقتصاد شکوفایی داشتند، ایشان به کمترین چیزها قناعت می‌کرد و بسیار ساده می‌زیست. حضرت

خود در این باره فرموده است: به خدا سوگند تن پوش خود را چندان وصله کرده‌ام که از وصله‌کننده‌اش شرم دارم. روزی گوینده‌ای به من گفت: آیا زمان دور افکندن آن فرا نرسیده است؟ و من گفتم: دور شو، که هنگام بامداد، از مردم شب‌رو سپاسگزاری می‌شود (یعنی نتیجه این رنج من در آینده مورد تمجید قرار خواهد گرفت). امیرالمومنین (ع) پنج سال حکومت کرد و در طول این مدت آجری بر آجر و خشتی روی خشت نهاد و زمینی را به خود اختصاص نداد و درهم سفید و دینار سرخی به ارث گذاشت. (المناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 95)

12- عبادت و طریق بندگی: امام به حکم آیه 56 سوره ذاریات فلسفه آفرینش انسان را عبادت و عبودیت و بندگی دانسته و بر آن مسیر حرکت می‌کرد. حضرت صادق (ع) فرموده است: حضرت امیرالمومنین به هنگام وضو گرفتن اجازه نمی‌داد کسی برایش آب بریزد و می‌فرمود: دوست ندارم در نماز به درگاه خدا کسی را شریک قرار دهم. (علل الشرایع، ج 1، ص 323) از نظر ایشان نماز، امانت الهی است که بندگان را به بندگی می‌رساند. برای همین بر آن اهتمام خاص داشت. در تفسیر قشیری آمده است: هرگاه وقت ادای نماز می‌رسید، رنگ چهره امیرالمومنین تغییر می‌یافت و بر خود می‌لرزید. وقتی به او می‌گفتند: این چه حالت است؟ می‌فرمود: هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد و آنها از حمل آن سرباز زدند و انسان این بار امانت را برداشت. (المناقب، ج 2، ص 124؛ الاحزاب، آیه 72) از همین‌رو، ایشان نمازخانه‌ای داشت که در آنجا به عبادت و بندگی می‌پرداخت. حضرت صادق (ع) فرمود: حضرت امیرالمومنین در خانه خود اتاقی را که نه کوچک بود و نه بزرگ، اختصاص به نماز خود داده و هر شب کودکی را برای خوابیدن به همراه خود می‌برد و در همان جا نمازهایش را می‌خواند. (المحاسن، ج 2، ص 425 ح 2557) در این حدیث دو نکته وجود دارد که هر دو از آداب و مستحبات اسلامی است:

1- اختصاص دادن جای معینی برای نماز و عبادت در خانه 2- پرهیز از تنها خوابیدن در یک خانه که مکروه است. اختصاص یک مکان برای نماز و عبادت، آنجا را قداست می‌بخشد و حضور قلب و تمرکز روحی بهتری برای نمازگزار فراهم می‌کند.

13- نقش نگین: نقش نگین انگشتری ایشان پیام‌های اساسی را به دیگران یادآور می‌شد. از این‌رو، توجه به این نقش‌ها به عنوان شعار زندگی هر مسلمانی اساسی و مهم است. عبد خیر می‌گوید: علی (ع) چهار انگشتر داشتند که به دست می‌کردند: یاقوتی برای نجابت و بزرگی - فرزانی - و فیروزه برای پیروزی و حدید چینی برای نیرومندی و عقیق را نیز برای محافظت. نقش نگین یاقوت: «لأله الاالله المک الحق المبین» و نقش فیروزه: «الله

الملك الحق» و نقش حدید: «العزّه لله جميعا» و در نگین عقیق سه سطر نقش بسته بود: «ماشاءالله، لاقوه» الا بالله، استغفرالله» (الخصال، ص 199)

14- پیمان روزانه با فرشتگان : حضرت صادق(ع) فرموده است: حضرت امیر(ع) هر بامداد- خطاب به دو فرشته نویسنده اعمال می فرمود: مرحبا بر شما دو فرشته بزرگوار و یادداشت کننده اعمال- به خواست خدا امروز نیز- آنچه دوست دارید بر شما املا خواهیم کرد و به دنبال این تعهد به ذکر: «سبحان الله و لاله الاالله» مشغول می شد تا خورشید طلوع می کرد و هنگام عصر نیز تا غروب آفتاب، به همان ذکرها می پرداخت. (بحارالانوار، ج 84، ص 267 ح 38)

15- فرزند صالح، روشنایی چشم : از نظر امام علی(ع) فرزند صالح همان چشم روشنی بشر است. از نظر آن حضرت(ع) فرزندان صالح، دیندار و مفید برای جامعه، مایه روشنی چشم والدین و ذخیره صالح برای آنان است و پس از مرگ پدر و مادر هم، خوبی های آنان سبب یاد خیر و طلب رحمت مردم برای پدر و مادرش می شود. تربیت دینی اولاد، از مهم ترین وظایف والدین است و ادب، برترین میراث آنان است. حضرت در این باره فرموده است: به خدا سوگند هیچ گاه از پروردگار خود فرزندان خوش سیما و نه فرزندان سر و قامت نخواستهم، بلکه فرزندان مطیع خداوند و ترسان از او خواسته ام تا هر گاه به فرزندم نگریستم و او را در حال اطاعت خدا دیدم، چشمانم روشن شود. (تفسیرالصافی، ج 4، ص 27)

آنچه بیان شد تنها گوشه ای از جنبه های سبک زندگی امام علی(ع) بود و قطعا پرداختن به همه این جنبه ها نیاز به یک کتاب قطور خواهد داشت.

نویسنده : رضا یزدانی کیا